

سهم تحریم و ضعف مدیریت در افزایش قیمت ها

سال 91 روزهاي پاياني خود را پشت سر مي گذارد. اين سال با تمام فراز و نشيب ها، موفقيت ها و برخي سختي ها در حال به پايان رسيدن است.



کيهان بررسي مي کند

سهم تحریم و ضعف مدیریت در افزایش قیمت ها

سال 91 روزهاي پاياني خود را پشت سر مي گذارد. اين سال با تمام فراز و نشيب ها، موفقيت ها و برخي سختي ها در حال به پايان رسيدن است.

جمهوري اسلامي همواره در حال پيشرفت و رسيدن به قله هاي تعالي و دستيابي به رشد و شکوفايي در همه زمينه ها بخصوص اقتصادي است.

رسيدن به تعالي و رشد نيازمند همکاري و وحدت آحاد مردم و مسئولان در بخش هاي مختلف است.

مردم در صحنه هاي مختلف نقش خود را به خوبي ايفا کرده و مي کنند. اما از مسئولان نيز انتظار دارند در اين رهگذر، از فراهم آوردن زمينه هاي آسايش و رفاه آنان غافل نباشند.

مسئولان دولتي در اين زمينه بزرگترين و به عبارتي نقش اول را دارند. دولت تلاش دارد با تمام توان وسايل رفاه مردم را تهيه کند. طرح هدفمندي يارانه ها نيز در همين راستا برنامه ريزي و اجرايي شد.

مسئولان قبل از اجراي اين طرح پيش بيني مي کردند عده اي سودجو در اين رهگذر اخلاص ايجاد کنند. لذا برنامه هايي که براي مقابله با اين پديده لازم بود اجرايي شد ولي کافي نبود.

نوسان نرخ ارز

امروز توليد داخل با عوامل دست و پنجه نرم مي کند که نوسان نرخ ارز يکي از اين عوامل است.

بالا رفتن قيمت کالاهائي که در توليد آنها ارز دخیل است امري طبيعي است. اما امروز شاهد گراني محصولات هستيم که ارز در توليد آنها دخالت ندارد، ولي گران به دست مردم مي رسد. براي ريشه يابي اين روند نامبارک بايد دو مسئله را از يکديگر تفکيک کرد، گراني و گرانفروشي است.

در حال حاضر اقتصاد ايران با هر دو پديده گراني و گرانفروشي دست به گريبان است.

طي چند ماه گذشته توليدکنندگان بدون مجوز دولت و به گفته خودشان با افزايش قيمت نهاده هاي توليد، قيمت ها را بالا بردند و دولت هم با اريزايي ميزان افزايش قيمت تمام شده، مجوز افزايش قيمت ها را صادر کرد. اما در اين باره ذکر چند نکته ضروري است. اول اينکه آيا دولت با گراني هاي خودسرانه چه برخوردی کرد؟ و قيمت کالاهائي که بايد به قبل برمي گشت انجام شد، که جواب منفي است. دوم اينکه هم اکنون برخي کالاهائي که به مصرف کننده عرضه مي شود نه تنها نرخ ارز بر قيمت آنها تاثير نداشته بلکه دولت هم با افزايش قيمت آنها موافقت نکرده ولي گران به دست مردم مي رسد و سازمانهاي ناظر هيچگونه برخوردی با آنها ندارند.

پسته که اين روزها بحث آن به شدت در کشور به دليل بالا رفتن قيمت آن داغ شده يکي از همين موارد است. صادرات اين محصول در گذشته انجام مي شد و طي ماههاي اخير روند آن نيز رو به افزايش گذاشت. ولي آيا بايد اين دليلي بر بالا رفتن قيمت آن باشد. نبايد برنامه ريزان و مسئولان بخش صادرات ابتدا مصرف داخل را تنظيم و سپس اجازه صادرات مي دادند.

سودجويي صادرکنندگان

يکي از دست اندرکاران خشکبار در بازار در اين باره مي گويد: اولاً اتحاديه تهران و اتحاديه کشوري بايد در اين زمينه به کمک دولت مي آمدند که نيامند. دوم اينکه صادرکنندگان دولت را فريب دادند.

او مي گويد: با بالا رفتن قيمت ارز صادرات پرسود شد و همين جا بود که بايد اتحاديه به کمک دولت مي آمد و مي گفت، ارز حاصل صادرات بايد به قيمت مبادله اي فروخته شود. ولي صادرکنندگان پسته و خشکبار ارز حاصل از صادرات خود را با قيمت آزاد در بازار فروختند و هيچ کنترلي نيز بر صادرات نشد. او ادامه مي دهد: روزي که دولت اعلام کرد صادرات پسته ممنوع است قيمت پسته فندقي از کيلوي 36 هزار تومان در بازار به 24 هزار تومان رسيد. از طرفي ديگر وقتي صادرکنندگان با ممنوعيت صادرات پسته مواجه شدند به دولت اعلام کردند پسته فندقي را با قيمت کيلوي 30 هزار تومان به مردم عرضه مي کنند، در حالي که قيمت پسته فندقي مرغوب و درجه يک سال گذشته کيلوي 16 هزار تومان بود و پسته احتکار شده نيز که به مردم فروخته شد، مرغوب نيست و قيمت آن بسيار پايين تر است، و اين دو مسئله اي است که باعث فريب دولت شد. زيرا صادرکنندگان با عرضه پسته نامرغوب و قيمت بالا، اجازه صادرات را مجدداً گرفتند. از وي مي پرسم ظاهراً استقبال از پسته 30 هزار توماني در نمايشگاه ها خوب بوده است، اگر كيفيت نداشت مردم نمي خريدند. در پاسخ مي گويد: اولاً پسته در معرض ديد مردم نيست، مردم صف مي کشند و فکر مي کنند چون قيمت پايين تر از بازار است خريد به صرفه است. ولي اين پسته كيفيت ندارد. اين دست اندرکار آجيل و خشکبار مي گويد: متأسفانه آجيلي که در نمايشگاه ها عرضه مي شود نه تنها كيفيت لازم را ندارد بلکه 10 درصد هم از قيمت پسته مرغوب بازار بالاتر است و متأسفانه

اتحادیه هیچگونه عکس العملی در این زمینه نشان نداد و مسئولین برگزاری نمایشگاه نیز در این باره تحقیقی نکردند. وی تأکید می کند: در حال حاضر بادام آمریکایی و فندق ترکیه بصورت قاچاق وارد می شود و با قیمت بالا به دست مصرف کننده می رسد و هیچ گونه نظارتی بر آن نیست. پسته فندقی 30 هزار تومانی نیز کیفیت خوبی ندارد. نظرات مردم

روز پنجشنبه و در هوای برفی تهران که اکثر مردم از نزول این نعمت الهی خوشحال بودند، در یکی از نمایشگاه های عرضه مستقیم کالا با آنها گفت و گو کردیم. نظرات کلی مردم درباره نمایشگاه های بهاره را می خوانید: عرضه و قیمت مواد غذایی مناسب است، عرضه کنندگان پوشاک اکثرًا مغازه داران سطح شهر هستند و تولیدکنندگان فقط در پارک ارم حضور دارند. کیفیت پوشاک، کیف و کفش نازل است و مردم استقبال آنچنانی نکرده اند. اینها نظرات و صحبت های کسانی است که حداقل به دو نمایشگاه در 4 نمایشگاه سطح تهران مراجعه داشته اند. اما مردم در این گفت و گو نظرات دیگری دارند که خواندنی است.

مردم می گویند، اگر دولت می تواند مواد غذایی را با قیمت های مناسب در نمایشگاه عرضه کند، چرا این کار در واحدهای صنفی سطح شهر و در طول سال انجام نمی شود. مردم درباره بازرسی ها می گویند: به هیچ وجه این مسئله قابل لمس نیست زیرا کسبه سطح شهر کار خود را می کنند و گرانفروشی ها مهار نشده است. دولت همه ساله و در ایام پایانی سال اعلام می کند، بازرسان در سطح شهر به کار کسبه نظارت دارند ولی همچنان قیمت ها بالاست و این نشان دهنده آن است که نظارتها تاثیری ندارد و باید ساز و کار دیگری اندیشیده شود.

درباره نقش سازمان حمایت در مبارزه با گرانفروشی نیز از مردم پرسیدیم که در پاسخ جواب دادند: متأسفانه سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان بخش حمایت از مصرف کننده را کنار گذاشته و به حمایت از تولیدکننده پرداخته است. مردم می گویند: معلوم نیست قدرت و نفوذ تولیدکنندگان تا چه اندازه است که سازمان حمایت به کمک تولیدکنندگان برای بالا بردن قیمت ها آمده است، و به درخواست های گرانی کالا جواب مثبت می دهد.

آقای حدوداً 70 ساله در نمایشگاه مصلي می گوید: گاهی افزایش قیمت ناشی از گرانی است و گاهی گرانفروشی. گرانی یعنی کالا ارزش افزوده پیدا کرده که طبیعی به نظر می رسد اما گرانفروشی يك جرم است، و هیچ دلیلی جز سودجویی ندارد. گرانی کالا به دلیل افزایش قیمت مواد اولیه است و باید اقتصاددان ها وارد موضوع شوند و سازوکارهای لازم را پیشنهاد و به دولت برای اجرا ارائه کنند. اما در گرانفروشی باید دستگاه های نظارتی و قضایی وارد کار شوند. گرانفروشی قابل کنترل تر و با يك اراده قوی قابل حل است. و تا آنجایی که ما تاکنون دیده ایم در اکثریت کالاها، معضل فعلی کشور گرانفروشی است نه گرانی. و آنچه که مشاهده می شود اراده ای برای حل مشکل مبارزه با گرانفروشی وجود ندارد و قوانین نیز کارآمدی لازم را ندارد. شما در شهری مانند تهران مثال يك شهر و هزار نرخ را در اکثر کالاها می بینید.

امیدوارم منفعت ناظران با منفعت متخلفان گره نخورده باشد، وگرنه راه به جایی نخواهیم برد. یکی دیگر از هموطنان درباره عدم برخورد با گرانفروشان می گوید: بزرگترین ایراد به تعزیرات و دستگاه قضا است. چرا شرکتي که به جرم میلیاردها ریال گرانفروشی جریمه می شود و حکم قطعی داده می شود را به مردم معرفی نمی کنند. بارها از طریق مطبوعات و رسانه ها می خوانیم و می شنویم که مثلاً فلان شرکت واردکننده خودرو به جرم گرانفروشی جریمه شده ولی نام او اعلام نمی شود. چرا نباید مردم گرانفروش را بشناسند و از گرانفروش خرید نکنند، همین امر باعث می شود مجرمین با پرداخت جریمه اولاً به کار گرانفروشی خود ادامه دهند زیرا باید مبلغ جریمه جبران شود و ثانیاً خیالشان راحت می شود که نام آنها محفوظ است. مثلاً در گرانی محصولات لبنی بارها اعلام شد کارخانجات متخلف به جرم گرانفروشی جریمه شده اند ولی هیچگاه نام این کارخانجات اعلام نشد و دیدیم که آنها هم هیچ وقت قیمت ها را به قبل برنگرداندند.

بازار خودرو

يك دست اندرکار خودرو که نمی خواهد نامش در گزارش نوشته شود درباره قیمت خودرو، تولید آن و می گوید: سال هاست دو خودروساز بزرگ کشور از انواع و اقسام حمایت ها برخوردارند و فقط به سود فکر می کنند. بازاری انحصاری را در اختیار دارند و به تنها چیزی که اهمیت نمی دهند، کیفیت است. او می افزاید: در پی نوسانات بازار ارز در سال جاری اکثر تولیدکنندگان و از جمله خودروسازان خواستار افزایش قیمت محصولات خود شدند. بهانه آنها هم بالا رفتن قیمت تمام شده تولید است. اما این همه ماجرا نیست. خودروسازان به عمد تولید را کاهش دادند تا بتوانند از دولت امتیاز بگیرند که تا حدودی هم موفق شدند. وی می گوید: رئیس جمهور در مصاحبه تلویزیونی خود به موضوعات مهمی درباره وضعیت خودروسازی کشور اشاره کرد و مسئله کاهش تعرفه نکته مهمی است، زیرا بالا بودن تعرفه یکی دیگر از امتیازاتی است که خودروسازان داخلی با این حربه به تنها موردی که عمل نمی کنند، ارتقای تکنولوژی است. اگر تعرفه واردات پایین بیاید،

خودروهای وارداتی با قیمت پایین تر از قیمت تولیدات داخل وارد می شوند و آزمون مشخص می شود صنعت خودروی ما در چه جایگاهی است. آیا خودرویی مانند پراید که به گزارش سازمان بازرسی و کیفیت استاندارد، بیشترین نمره منفی را دارد باید تولیدش ادامه داشته باشد آنگاه با این قیمت جدیدی که اعلام شده است. این دست اندرکار خودرو در ادامه می گوید: رئیس جمهور اخیراً و هفته پیش با پرداخت تسهیلات میلیاردی و ارز مبادله ای به خودروسازان موافقت کرد، بنابراین انتظار می رود، کیفیت خودروها افزایش و قیمت ها کاهش یابد.

وی اظهار امیدواری کرد، شورای رقابت در زمینه قیمت گذاری خودرو بدون ملاحظه کاری و دادن امتیاز به خودروسازان وارد عمل شود.

وي همچنين به افزايش تقاضا در بازار اشاره کرده مي گويد: احتكار خودروسازان و عرضه نکردن خودروهاي توليدي به بازار به اميد افزايش قيمت به التهاب بازار دامن زد و اظهارات برخي خودروسازان مبني بر نبود قطعات و توقف خط توليد در حالي است که انبار خودروسازان مملو از خودروهاي توليدي است. اگر هيأتي مستقل مسائل چندين ماهه خودروسازان را به درستي تحقيق و تفحص کند، درخواهد يافت نه تنها کمبودي از نظر توليد نيست بلکه بهانه اي بوده است براي امتياز گرفتن از دولت در زمينه دريافت تسهيلات و بالا رفتن قيمت.

يك استاد دانشگاه نيز درباره قيمت گذاري خودرو و افزايش آن در بازار با تأکيد بر کمک سازمان حمايت به خودروسازان گفت: «#171؛ اصلاً قرار نيست که اين قيمت ها از سوي سازمان حمايت اعلام شود. سازمان حمايت با کمک به خواسته هاي ناحق خودروسازان بيش از پيش حقوق مصرف کنندگان را نادیده گرفته است.»
raquo

وي در پاسخ به اين سؤال که آیا مصوبات جديد تنها به افزايش رسمي خودرو منجر شده است و خودروسازان همانند گذشته بنا ندارند که به تعهدات خود مبني بر افزايش توليد و به تعادل رساندن بازار پاييند باشند گفت: «#171؛ خودروسازان در ايران هيچگاه به دنبال به تعادل رساندن بازار نبوده اند و تنها به منافع شخصي و گروهي خود فکر مي کنند. با توجه به اينکه در هر حالي انبارهاي خودروسازان پر از خودرو بوده است، خودروسازان به دليل انحصاري که در اين صنعت وجود دارد همواره به دنبال بهانه اي هستند که هر چند وقت يکبار قيمت ها را افزايش دهند.»
raquo

وي با اشاره به تصميماتي که در خصوص صنعت خودرو گرفته مي شود گفت: «#171؛ با توجه به اينکه تمامي تصميماتي که در خصوص توليد، قيمت و تعادل بازار خودرو اتخاذ مي شود از يك سو به خودروسازان دولتي وصل است، در نهايت به ضرر مصرف کننده و اجحاف در حق آنان ختم مي شود.»
raquo

اين استاد دانشگاه با تشریح وضعيت خودروسازي در کشور گفت: «#171؛ سال هاست که مجلس، دولت و مردم با کمک به صنعت خودرو به اسم استقلال و بي نيازي اين صنعت از بازارهاي خارجي و تاوان ضررهاي اين صنعت را پرداخت کرده اند. خودروسازان با شعارهاي خود در اين سالها به مردم وعده ارزبري کمتر در اين صنعت دادند؛ اما چگونه است که با تغييری در بازار ارز يك مرتبه قيمت خودرو بيش از دو برابر افزايش پيدا مي کند؟ بنا بر اين مي توان نتيجه گرفت که ما پس از اين سالها به استقلال در اين زمينه نرسيده ايم و مصرف کننده مجبور است همچنان خودروهاي توليدي را به دليل انحصار در اين بازار به چند برابر ارزش بخرد.»
raquo

وي تصريح کرد: «#171؛ تا زماني که مصوبات، تصميمات و سياست گذاري ها در صنعت خودرو با دخالت و نفوذ خودروسازان انجام پذيرد نمي توان به بهبود اين بازار چشم داشت و مصرف کننده مجبور است که محصولي برابر که با هيچ يك از استانداردهاي زيست محيطي و صنعتي روز دنيا مطابقت ندارد را به چند برابر قيمت خريداري کند. از سوي ديگر به دليل تعرفه بالاي خودروهاي وارداتي، تعداد محدودی که از اين خودروها به کشور وارد مي شود تحت شعاع قيمت خودروهاي داخلي قرار مي گيرد.»
raquo

تأثير تحريم ها بر گراني

رسانه هاي خارجي مدتي است سعي مي کنند ابعاد تحريم و اثرات آن را در کشور وسيع جلوه دهند. ايران پس از انقلاب اسلامي تاکنون مورد تحريم هاي گوناگون آمريکا و غرب بوده و اين مسئله نه تنها موجب ضعف ساختارهاي اقتصادي کشور نشده بلکه در بخش هايي باعث شکوفايي شده است، که از آن جمله مي توان به رشد 6 برابري ارزش بازار سرمايه اشاره کرد.

همچنين صادرات غيرنفتي ايران رشد چند برابر داشته است. از منظر ديگر، يکي از محاسن تحريم ها کاهش وابستگي بودجه سالانه کشور به درآمدهاي نفتي است. و اين موردی است که کشورهاي غربي گمان مي کردند با تشديد تحريم ها مي توانند از اهرم نفت به عنوان پاشنه آشيل ايران بهره برده و به خيال خود ضربه سختي به ايران وارد کنند در حالي که مسئله بنزين به همگان نشان داد علي رغم تحريم واردات بنزين به ايران، توليد اين فرآورده نفتي در داخل کشور افزايش داشته و صادرکننده نيز شده ايم. يك کارشناس اقتصادي با اشاره به اينکه تحريم ها ربطی به گراني هاي اخير ندارد مي گويد: دولت بايد مشکلات توليد را رفع کند. سيستم توزيع نيز بيمار است و توليد کننده و توزيع کننده فقط به دنبال سود هستند.

وي مي افزايد: مهار گراني ها به تدابير ويژه و خاص نياز دارد.

يکي از شهروندان نيز درباره گراني هاي اخير مي گويد: بازار رها شده، و اينکه گفته مي شود تحريم ها در اين بازار دخیل هستند، نوعي فرار به جلو براي شانه خالي کردن از مسئوليت هاست. بايد توليد را حمايت کرد و بازار را با رقابت توليدکنندگان کنترل کرد. وي در ادامه مي گويد: مدیریت نکردن بازار عرضه و تقاضا نيز از مسائلي است که موجب اين وضعيت شده است.

يك کارشناس اقتصادي نيز درباره ميزان اثرگذاري تحريم ها بر وضعيت اقتصادي کشور مي گويد: تحريم نه تنها تأثيري بر وضعيت اقتصادي کشور به طور خاص نداشته ولي عاملي شده است تا عده اي سوداگر از اين وضعيت سود ببرند و برخي مسئولان نيز ضعف مدیریت خود را به تحريم ها پيوند بزنند، در حالي که ضريب تأثير تحريم ها با جهش قيمت ها همخواني ندارد.

يك کارشناس اقتصادي درباره تأثير تحريم ها بر اقتصاد کشور مي گويد: غربي ها هر چه تير در ترکش تحريم ها داشتند رها کرده اند و ديگر اين ابزار کارايي چنداني براي شان ندارد. بي شک مقاومت مردم صبور ايران در برابر تحريم هاي خصمانه دشمنان باعث شده تا اين اهرم فشار به مرور دچار فرسودگي و انحلال شود و از خاصيت بيفتد. وي ادامه مي دهد: بروز بحران هاي پي در پي اقتصادي در غرب به خوبي اين واقعيت را نشان مي دهد که نتيجه تحريم ها بر ضد ايران بالعکس شده و اصطلاحاً تير کمانه کرده است. کاهش اجباري 80 ميليارد دلاري بودجه آمريکا، نرخ بيکاري دو رقمي در اتحاديه اروپا، رشد منفي اقتصادي در فرانسه و کاهش توليدات صنايع پيشرفته در آلمان همگي بيانگر اين حقيقت آشکار است که تير تحريم ها بر ضد ايران برگشت خورده و قلب غرب را نشانه رفته است.